يارانه‌ها، رشد و فقر

علي ديني تركماني*

رابطه ميان روش پرداخت يارانه‌ها، رشد اقتصادي و فقر موضوعي مورد مناقشه در ميان اقتصاددانان و سياستگذاران است. اين مقاله، ضمن بررسي دو ديدگاه رقيب موجود در اينباره، رويكرد غالب نئوكلاسيكي و رويكرد توسعه اي نهادگرا- ساختارگرا، تلاش مي‌كند ميزان كفايت و مناسبت تبييني آن ها را بر مبناي تجربه‌ي تاريخي مربوط به اجراي سياست هاي تعديل ساختاري و تثبيت اقتصادي و سازگاري چارچوبهاي تبييني م ذكور با شرايط خاص اقتصادها از جمله اقتصاد ايران، ارزيابي كند.

كليدواژه‌ها: تثبيت اقتصادي، تعديل، رشد، فقر، نابرابري، يارانه

تاريخ دريافت مقاله: 84/3/25 تاريخ پذيرش مقاله: 84/8/22

«هرجا تمركز مالكيت زياد است نابرابري هم زياد است.... وفور ثروت، فقر و بي‌چيزي عده اي را ايجاد مي‌كند» (آدام اسميت)

---

* كارشناس ارشد اقتصاد توسعه ، عضو هيأت علمي مؤسسه مطالعات و پژوهش هاي بازرگاني <a_dini@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

(هايلبروند، 30:1376-29)

مقدمه

رابطه‌ي ميان سياست هدفمندسازي يارانه ها و هدف كاهش فقر موض وعي مورد مناقشه در ميان اقتصاددانان و سياستگذاران است. برخي با اعتقاد به رويكرد متعارف و مرسوم اقتصادي (نئوكلاسيكي) بر اين باورند كه حذف يارانه هاي همگاني و جايگزيني آن ها با يارانه هاي هدفمند، كارآترين سياست در نيل به هدف مذكور است . برخي ديگر، با نگاهي انتقادي، به اين فرضيه با ديده ترديد مي‌نگرند و بر اين باورند كه كاهش فقر مستلزم بكارگيري سياست هاي باز توزيع درآمدي است كه ماهيتاً متفاوت از سياست هدفمند كردن يارانه‌هاست. علاوه بر اين، در اقتصادي چون اقتصاد ايران، عوامل ساختاري و نهادي، مانع رشدند. بنابراين، از منظر رشد رفع اين موانع، حايز اهميتتر است تا رفع اختلال‌هاي قيمتي.

اين مقاله ضمن مروري بر تحليل اين رويكردها از اين رابطه، تلاش مي‌كند تا صحت و سقم آن ها را بر مبناي معيار استحكام منطقي و تجربه تاريخي مورد ارزيابي قرار دهد. در اين راستا، مقاله با نگاهي بر سابقه ي "سياست‌هاي تعديل ساختاري و تثبيت اقتصادي" آغاز مي شود؛ سپس چارچوب نظري اين سياست‌ها و نحوه برخورد آن‌ها با مساله رشد و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فقر مورد بحث قرار مي‌گيرد. در ادامه، به توضيح و تبيين رويكردهاي توسعه اي به نابرابري و فقر، پرداخته مي شود. كفايت سياست هد فمندسازي يارانه‌ها در نيل به اهداف بازتوزيع درآمدي و كاهش فقر، اثرگذاري يارانه هاي هدفمند در شرايط خاص اقتصاد ايران موضوعات بعدي مورد بحث مقاله هستند. در نهايت، به نقش گزينه سياست قيمت‌گذاري تبعيضي در هدفمندسازي يارانه‌ها پرداخته شده است.

1) يارانه‌ها و سياست‌هاي تعديل و تثبيت

برنامه‌ي حذف يارانه هاي همگاني و جايگزيني يارانه‌هاي هدفمند، جزيي از برنامه «تعديل ساختاري و تثبيت اقتصادي» است. اين برنامه از اوايل دهه‌ي 1980، در پاسخ به ناتوازني هاي تجاري و بودجه اي اقتصادها، چه در كشورها ي پيشرفته و چه در كشورهاي توسعه‌نيافته، طراحي و از طريق "صندوق بين المللي پول" و "بانك جهاني" به كشورهاي مختلف تجويز شد* و داراي دو جزء تثبيت و تعديل است. جزء تثبيت كه صندوق بيشتر متولي آن است سه مولفه زير را دارد:

* در متون اقتصادي از اين سياست ها به عنوان رويكرد «اجماع واشنگتني» نيز نام برده مي‌شود. دليل اين نام‌گذاري اين است كه دو نهاد صندوق بين المللي پول و بانك جهاني، به علاوه خزانه داري آمريكا ، در مقام طراح اين سياست ها، در واشنگتن قرار دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

الف) تجديد تقاضا؛
ب) سياست‌هاي انتقالي با تاكيد ويژه بر كاهش ارزش پول و اصلاح نرخ ارز؛
ج) سياست‌هاي مربوط به عرضه بلندمدت با تاكيد بر اصلاحات مالي و آزادسازي تجاري.

جز تعديل برنامه كه بانك جهاني متولي آن است، همين سه مولفه را دارد با اين تفاوت كه بانك بيشتر بر مولفه‌ي سوم متمركز است.*

جدول 1: ويژگي برنامه‌هاي تحت حمايت صندوق بين‌المللي پول در سال‌هاي 84-1980*

(در مورد 93 قرارداد)

الف) تجديد تقاضا:	
ـ محدوديت گسترش اعتبارات	100
ـ محدوديت مخارج عمومي	92/4
ب) سياست انتقالي	
- افزايش قيمت بخش‌هاي ويژه و كاهش نظارت بر قيمت	62/4
- اصلاحات نرخ ارز	50/6
- محدود كردن دستمزدها	47/3
ج) كارايي بلندمدت	68/9
- اصلاحات مالي	51/6
- آزادسازي تجاري	48/4

* IMF(1986), "Fund-supported Programs, Fiscal policy and Income Distribution", IMF Occasional Paper 46.
مأخذ: فرانسيس استوارت

* بن‌فاين (2002)، لانس تيلور و يرت پيپر (1996) و فرانسيس استوارت (1376) تاريخچه و وجوه اساسي اين سياست‌ها را به بحث گذاشته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

طي دهه هاي 90-1980، اين برنامه از طريق نهادهاي مذكور و با به‌كارگيري ابزار «وام‌هاي تعديل ساختاري» در كشورهاي مواجه با كسري هاي مالي و تجاري شديد اجرا شد. آثار منتشر شده صندوق در اين زمينه، نشان مي دهد كه محدود كردن تقاضا از طريق كنترل اعتبارات، كاهش مخارج عمومي و در نهايت كاهش كسري بودجه بيشترين تأكيد را در برنامه هاي تحت پوشش آن طي سال هاي 84-1980 داشته‌اند. در 93 قرارداد مورد بررسي ميان صندوق و كشورهاي مختلف، محدوديت گسترش اعتبارات در تمام موارد، كاهش مخارج عمومي در 92/4 درصد موارد و كاهش كسري بودجه در 82/8 درصد موارد به عنوان شرايط اعطاي وام اعمال شده است (جدول شماره 1).

در مورد بانك جهاني، بيشترين تاكيد بر كارآيي بلندمدت است. آمار منتشر شده بانك نيز نشان مي‌دهد كه طي سال‌هاي 88-1980 و 91-1989، در 78 و 72 درصد قراردادهاي منعقد شده بين بانك و كشورها، بر حصول كارآيي در بلندمدت ت أكيد شده است (جدول شماره 2).

جدول 2: شرايط پرداخت وام از سوي بانك جهاني (نسبت به كل شرايط)*

شرايط	1980-88	1989-91
الف) تحديد تقاضا:	38	42
كاهش كسري (سياست مالي)	36	39

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

سياست پولي	2	3
ب) سياستهاي انتقالي:	4	5
سياستهاي نرخ ارز	2	3
سياست دستمزدها	2	2
ج) كارآيي بلند مدت:	78	72
سياستهاي تجاري	16	10
بخشي	25	23
صنعت	3	2
سياستهاي ارزي	3	7
كشاورزي	18	10
اصلاحات بخش مالي	10	11
عقلاني كردن مديريت دولتي	10	15
اصلاحات بنگاه هاي عمومي	17	13
د) اصلاحات اجتماعي:	3	7
هـ) ساير	4	8

*World Bank (1992), "Adjustment Lending and Mobilization of Private and Public Resources for Growth", world Bank Country Economics Department, Policy Research Series 22.

مأخذ: همان، 28

نكته مرتبط با بحث اين مقاله اين است كه كاهش يارانه ها، جز در چارچوب تحديد و انقباض تقاضا، يكي از شرايط مهم صندوق و بانك در كمك مالي به كشورهاي متقاضي كمك بوده است.

1-1) چارچوب نظري سياستهاي تعديل و تثبيت

مباني نظري سياست هاي تثبيت و تعديل، ريشه در نظريه هاي «پولگرايي» و «طرف ـ عرضه» دارد. پولگرايي با ارايه صورت بندي مدرن تري از نظريه مقداري پول، بر اين باور است كه علت اص لي تورم عرضه‌ي بيش از اندازه پول، از طريق اعتبارات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بانكي، نسبت به ظرفيت هاي توليدي ثابت است . همچنين اين رويكرد با تعميم نظريه مقداري پول به اقتصادي باز، معتقد است كه عرضه بيش از اندازه پول، به افزايش تقاضا براي كالاهاي وارداتي و در نتيجه بدتر شدن حساب جاري و افت ذخائر خارجي مي انجامد. از ديدگاه پول گرايي، ريشه‌ي ناتوازن هاي مالي (كسري بودجه) و تراز پرداختها (حساب جاري) در ناتوازني ميان عرضه و تقاضاي پول قرار دارد كه بايد با بكارگيري مولفه‌هاي مذكور سياستهاي تثبيت، برطرف شود.

نظريه طرف ـ عرضه نيز با ت أكيد بر اثر منفي ماليات‌هاي بالا بر انباشت سرمايه، كوچك‌سازي دولت را توصيه مي‌كند. از اين منظر، دولت بزرگ نياز به منابع مالي بيشتري دارد كه بايد از طريق ماليات‌ها تامين شود؛ اما، هرگونه تلاش براي تامين درآمد از طريق افزايش ميزان (نرخ) مالياتي، سرمايه‌گذاري و در نتيجه توليد را كاهش مي‌دهد. در مباحث درسي اقتصاد كلان، اين بحث در قالب «منحني لافر» مطرح مي‌شود. اين منحني نشان مي‌دهد كه وقتي ميزان (نرخ) ماليات از حد معيني افزايش پيدا كند، درآمد مالياتي دولتي كاهش پيدا مي‌كند؛ بنابراين، در چارچوب اين نظريه به جاي تاكيد بر افزايش ميزان مالياتي، بر گسترش پايه مالياتي تاكيد مي شود. همچنين، «نظريه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

انتظارات عقلايي» كه بر تسويه خودكار بازارها و خنثي شدن اقدامات دولت از طريق پيش بيني‌هاي كارگزاران بخش خصوصي تاكيد مي كند، جزيي از اين رويكرد است*.

در هر دو رويكرد، بر تامين شرايط مناسب براي انباشت سرمايه و رشد ـ از طريق انقباض مالي (كاهش كسري بودجه)، انقباض پولي (كاهش اعتبارات)، كنترل درآمدها (نظارت بر دستمزدها، حذف يارانه ها و كاهش پرداخت هاي انتقالي)، آزادسازي تجاري، مالي و ارزي و خصوصي سازي ـ تاكيد مي‌شود.

در اين چارچوب هاي نظري، هرگونه اقدام رفاهي دولت يا داراي «اثر انحرافي» است يا بيهوده است و يا از برخي جنبه ها چون تامين حقوق شهروندي افراد، خطرناك است**.

---

* ديويد كلمن و فردريك نيكسون (1378) در فصل دوازدهم كتاب خود، رابطة ميان سياست هاي كالايي، كسري تجاري و بودجه اي را به بحث مي گذارند. هيلستونز (1982) نيز شرحي از نظريه‌هاي مختلف طرف ـ عرضه به دست مي دهد.

** هيرشمن در كتا ب «خطابه ارتجاع »، (1382) واكنش‌هاي منتقدان دولت رفاه و دولت مداخله گر را در قالب سه نوع خطابه «انحراف»، «بيهودگي» و «مخاطره» تقسيم‌بندي مي‌كند. خطابه انحراف بر اين باور است كه سياست‌هاي رفاهي دولت به دليل اختلال زايي در نظام قيمت ها و تاثير منفي در تخصيص منابع، به هدف مورد نظر اصابت نمي كند كه هيچ، آثار منفي نيز به وجود مي آورد؛ تحليل هاي متعارف و مرسوم اقتصاد

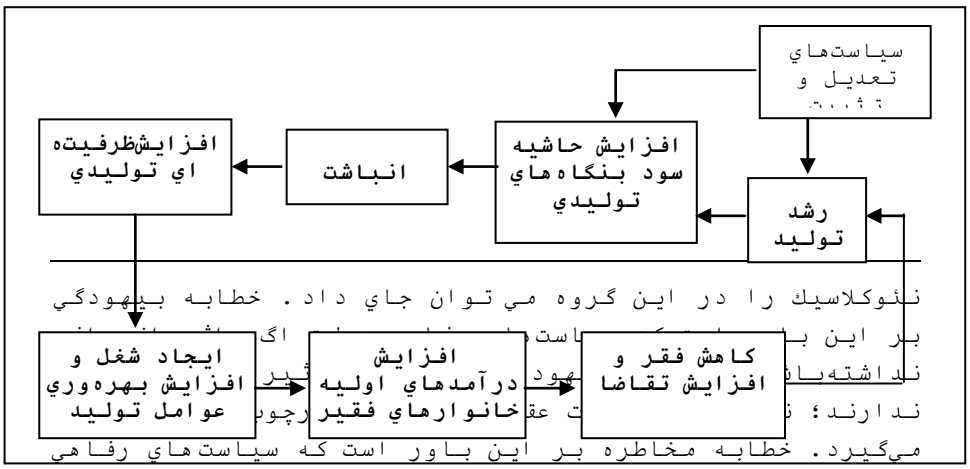
[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

1-2) يارانه‌ها، فقر و سياست‌هاي تعديل و تثبيت

در چارچوب مباني نظري سياست هاي تعديل، پرداخت يارانه‌هاي همگاني از طريق كنترل هاي قيمتي و همين‌طور نظام تامين اجتماعي مداخله‌گرا، مانع رشد اقتصادي بيشتر مي شود؛ از اين ديدگاه، فقر و همين‌طور تنگناهاي ساختاري نظير كشش‌ناپذيري عرضه نسبت به قيمت، ناشي از اختلال هاي قيمتي است كه بايد از طريق اجراي اين سياستها رفع شود.

رابطه‌ي علت و معل ولي ميان توصيه هاي سياستي رويكردهاي نظري مذكور با رشد و فقر را مي توان به صورت زير نشان داد:

نمودار 1: رابطه‌ي علت و معلولي ميان توصيه‌هاي سياستي و رويكردهاي نظري با رشد فقر



نئوكلاسيك را در اين گروه مي توان جاي داد. خطابه بيهودگي

ندارند؛ ن

مي‌گيرد. خطابه مخاطره بر اين باور است كه سياست‌هاي رفاهي دولت، سرآغازي براي نقض آزادي افراد در بازار است. مباحث فريدمن و هايك درباره رابطه بين دخالت دولت در اقتصاد از يك سو و دموكراسي و آزادي از سوي ديگر در اين زمره است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مأخذ: (ديني، 1375:115-114)

از اين ديدگاه، سياست هاي تعديل و تثبيت از جمله رهاسازي قيمت كالاها و خدمات، حذف كنترل هاي قيمتي و نظام تامين اجتماعي مداخله گرا، در مجموع به افزايش حاشيه سود بنگاه هاي توليدي، چه از طريق تخصيص بهينه تر منابع و عوامل توليد و چه از طريق امكان پذير شدن عرضه كالاها و خدمات به قيمت واقعي بازار، مي انجامد. بنگاه ها با سرمايه‌گذاري مجدد سودهاي حاصله، ظرفيت هاي توليدي را گسترش مي دهند؛ در نتيجه، تقاضا براي نيروي كار بيشتر مي شود. با افزايش تقاضا براي نيروي كار از يك سو تعداد بيشتري شاغل مي‌شوند و از سوي ديگر دستمزدها افزايش پيدا مي كند. بنابراين، درآمدهاي اوليه اقشار فقير به همراه بهره‌وري آن‌ها بيشتر مي شود كه اين خود زمينه استمرار چرخه رشد، انباشت سرمايه و كاهش فقر را فراهم مي‌كند.

«با كنار گذاشتن نظام تامين اجتماعي موجود، تاثير منفي آن را بر امر اشتغال متوقف خواهيم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كرد؛ اين مالاً به معني درآمد ملي بيشتر خواهد بود. اين اقدام بر ذخيره هاي شخصي نيز خواهد افزود و در نتيجه تشكيل سرمايه را سرعت بيشتري خواهد داد، و رشد سريع تر درآمد را درپي خواهد داشت؛ در عين حال انگيزه اي خواهد بود براي گسترش و توسعه هرچه بيشتر برنامه هاي بازنشستگي خصوصي، و در نتيجه تامين بيشت ر براي عده زيادتري از كارگران ». (ميلتون و رز فريدمن، 151-52:1367)

3-1) تعديل با چهره انساني، فقر و يارانه

سياست تعديل و تثبيت چنانچه ذكر شد در اصل سياستهاي انقباضي، به منظور كنترل كسري بودجه و كسري حساب جاري، هستند . آثار اين سياست ها در دهه 1980 از يك سو كاهش انباشت سرمايه (به دليل كاهش مخارج دولتي) و از سوي ديگر افزايش فقر به دليل رهاسازي قيمت كالاهاي اساسي و كاهش دستمزدهاي واقعي بود *. در ابتداي دهه 1980،

* براي اطلاع بيشتر ر.ك به بررسي هاي انجام شده از جمله : جيمز پتراس و ديگران (1380)؛ هرچند نحوه برخورد برخي از مقالات اين كتاب شتابزده و شعارزده است، داده هاي مستندي دارد. استوارت (1376) تجربه دهه 1980 كشورهاي آفريقايي و آمريكايي را در اين زمينه به دست مي دهد. تري مك كنلي (2004) تجربه تعديل كشورهاي بنگلادش، كامبوج، چين، اندونزي، مغولستان، نپال، سري لانكا و ويتنام را در دهه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

يونيسف تلاش كرد تا جامعه جهاني را متوجه اين مساله كند، اما، از آنجا كه فقر براي صندوق بين‌المللي پول و بانك جهاني مساله اي حاشيه اي بود كه به تدريج با كاركرد اثر «رخنه به پايين» رشد حل خواهد شد، توجهي به پيامدهاي منفي سياست‌هاي تعديل و تثبيت نشد تا اين‌كه در سال 1987، يونيسف، «برنامه تعديل با چهره انساني» را معرفي كرد **. در اين برنامه ها جبران آثار منفي وارد بر خانوارهاي فقير در دوره اجراي سياست‌هاي انقباضي مذكور توصيه شد . از اين سال، بانك جهاني ارزيابي آثار منفي سياست ها را در دستور كار خود قرار داد و طي تحقيقات مشتركي با صندوق، به سال 1989، تاييد كرد كه:

«به ويژه در صحراي افريقا و آمريكاي لاتين كاهش درآمدهاي سرانه با افت شاخص هاي اجتماعي

1990 به دست مي‌دهد. رالف ون در هون (2000) تجربه كشورهاي آسيايي، آفريقايي و آمريكاي لاتين را طي سال هاي 91-1975 به‌دست مي‌دهد. جيواني كرينا (2004) تجربه‌ي كشورهاي تازه استقلال آسياي ميانه (قزاقستان، قرقيزستان، تاجيكستان، تركمنستان و ازبكستان) را با تاكيد بر ازبكستان طي سال‌هاي 2002-1991 بررسي كرده است. سارا بركينگ (2004) تجربه كشورهاي حاشيه صحراي آفريقا را در زم ينه نوسازي بخش كشاورزي از طريق سياسته‌اي تعديل و تثبيت بررسي كرده است.

** لانس تيلور و يرت پيپر (1996) شرحي از اين موضوع را در فصل چهارم كتاب خود ارايه مي دهند و همينطور ر .ك به : جيواني كرينا و فرانسيس استوارت (1988).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

همراه بوده است ... بعضي از اقشار فقير منتفع شدند ولي بسياري از گروه هاي آسيب پذير از اقدام‌هاي تعديل صدمه ديدند . تا اواسط دهه 1980 مسلّم شد كه با توجه به زمان و تلاش هاي معين لازم براي حل و فصل معضلات اقتصادي ريشه دار، اي ن انتظار كه رشد پايدار به تنهايي بتواند فقر را كاهش دهد از لحاظ اخلاقي، سياسي و اقتصادي غير قابل قبول خواهد بود» (استوارت، 24:1376)

مديرعامل وقت صندوق، كامدسويس، نيز اذعان كرد كه:

«سياست‌هاي اقتصاد كلان مي توانند بر توزيع درآمد، رفاه و برابري اجتماعي اثرها ي قوي به جاي بگذارند . يك برنامه ي تعديل مسئول، اين اثرها را بايد لحاظ كند، به ويژه زماني كه در ارتباط با آسيب پذيرترين يا ضعيف ترين گروه هاي جامعه تنظيم مي‌شود.» (همان: 24)

بدين‌صورت، بحث يارانه‌هاي هدفمند و به طور كلي تور ايمني اجتماعي در چارچوب سياست هاي تعديل قرار گرفت . در اصل، پذيرش تعديل با چهره انساني، تلويحاً به معناي بازگشت به رويكرد اقتصاددانانی چون گونارميردال (1957) است كه با كاربرد مفهوم «عليت بر هم فزاينده »، كشش‌پذيري فقر نسبت به رشد اقتصادي را مورد نقد قرار مي‌دهند و معتقدند كه در چارچوب ساز و كار بازار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

آزاد، نابرابري و فقر گرايش به رشد دارد تا كاهش.

2) نابرابري اوليه، رشد و فقر

در چارچوب رويكرد تعديل با چهره انساني فرض مي‌شود كه با تامين تور اجتماعي و پوشش حمايتي خانوارهاي فقير در دوره گذار اصلاحات اقتصادي، هم امكان تحريك رشد اقتصادي وجود دارد و هم امكان ممانعت از آسيب پذيري اقشار فقير. اين ديدگاه هرچند از منظر رد وجود «اثر رخنه به پايين» در فرآيند رشد اقتصادي واقع بينانه‌تر محسوب مي‌شود، از نظر بي توجهي به ساخت اقتصادي كه نابرابري و فقر را مي تواند بازتوليد كند و از طريق سياست هاي رشدگرا قابل رفع نيست، قابل نقد است.

اگر در اقتصادي توزيع ثروت و دارايي هاي ثابت از جمله زمين نابرابر باشد، اثر اوليه سياست‌هاي انتقالي درآمدي (پرداخت‌هاي نقدي) مي‌تواند با اثر ثانويه ناشي از افزايش قيمت كالاها و خدمات توليدي صاحبان دارايي هاي ثابت خنثي شود. اين اثر ثانويه، مي تواند هم بر اثر آثار تورمي سياست‌هاي اقتصادي از جمله رهاسازي قيمت كالاها و خدمات رخ دهد و هم بر اثر افزايش تقاضاي خانوارهاي فقير براي محصولات و خدمات توليدي صاحبان دارايي هاي ثابت. مفهوم «عليت بر هم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فزاينده» ميردال، در واقع، ناظر بر اين نكته است كه در ساخت نابرابر ثروت و قدرت، هرگونه تلاشي براي افزايش رفاه فقرا، به ضد خود تبديل مي‌شود. از اين منظر است كه فرانسس استوارت و پاول استريتن (1976)، از نظريه پردازان رويكرد «نيازهاي اساسي»، تاكيد مي‌كنند كه:

«توزيع مجدد كارآمد، نه تنها به تركيبي از توزيع مجدد دارايي‌ها و اصلاحات تكنيكي و نهادي و انگيزه‌هاي كافي ـ يعني سه ركن محكم يك پايه استوار ـ نيازمند است، بلكه به اصلاحات مناسب مداوم نيز نياز دارد». (گريفتن و جيمز، 61:1370)

مطالعات جديد مبتني بر برآوردهاي كمي، نشان مي‌دهد كه نابرابري اوليه بالا در اقتصاده اي با درآمد سرانه بالا و متوسط، به دلايل مختلف ـ از جمله ممانعت از انباشت فراگير در حوزه سرمايه انساني، تضعيف همبستگي اجتماعي، ايجاد تنش هاي اجتماعي و سياسي ـ بر رشد و فقر اثر منفي دارد. در واقع، در چنين اقتصادهايي فقر نسبت به رشد كشش‌ناپذير است.*

در عين ح ال مطالعات جديد نشان مي دهد كه در

* براي اطلاع بيشتر ر.ك به: آلبرتو آلين ا و روبرتو پروتي (1378)؛ مسعود كارشناس (1993)، علي علي و ابراهيم اِل بداوي (1999)؛ كيت گريفتن (2000)؛ هوليا دَگ دروين و ديگران (2001).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اقتصادهاي با درآمد سرانه بسيار پايين با فقر انبوه، باز توزيع دارايي ها و ثروت مي‌تواند اثر منفي بر انباشت سرمايه فيزيكي بگذارد.

البته، در اين اقتصادها نيز چنانچه آمارتيا سن معتقد است انباشت سرمايه مناسب در حوزه هاي آموزشي و بهداشت و درمان ـ عناصر شاخص‌هاي توسعه انساني (ميزان باسوادي، ميزان طول عمر و درآمد سرانه) ـ از طريق اتكاي به رشد، نياز به زمان بسيار طولاني دارد . بنابراين در اين حوزه ها سياست‌هاي مداخله‌گراي بازتوزيعي حتي در كشورهاي با درآمد سرانه پايين همراه با فقر انب وه، توجيه دارد . سن با مقايسه تطبيقي كشورهاي سريلانكا، برزيل و چين نشان مي‌دهد كه در سريلانكا و چين به رغم پايين بودن درآمد سرانه، ميزان با سوادي و طول عمر بالاتر از برزيل است كه درآمد سرانه بسيار بالاتري دارد. در اين‌باره وي (2000) معتقد است:

«م وفقيت فرآين د حمايت گرايانه به عنوان مسير حركت، نشان مي دهد براي آغاز گسترش سريع تسهيلات پايه و مراقبت هاي بهداشتي و سلامتي، نيازي نيست كه يك كشور در انتظار ثروتمندتر شدن باقي بماند؛ زيرا افزايش ثروت، تنها طي يك دوره طولاني رشد اقتصادي حاصل مي شود، به رغم درآمد پايين [در اين كشورها]، مي‌توان كيفيت زندگي را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

از طريق يك برنامه مناسب خدمات اجتماعي، به نحو فراگيري بالا برد. اين واقعيت كه آموزش و سلامت در افزايش رشد اقتصادي موثر هستند، دالّ بر اين ادعاست كه بايد تاكيد بيشتري بر اين اقدامات اجتماعي صورت گيرد».

جدول شماره 3، اثرگذاري سياست‌هاي باز توزيع درآمدي را كه به تفكيك گروه هاي درآمدي مختلف است، نشان مي‌دهد.

جدول3: رابطه ميان سياست‌هاي بازتوزيع درآمدي و رشد به تفكيك نوع اقتصادها*

گروه كشور / ابزارهاي بازتوزيع	بازتوزيع درآمد جاري و دارايي‌ها: (كشورهاي با درآمد متوسط)	رشد همراه با سياست‌هاي بازتوزيع: (كشورهاي با درآمد متوسط و تقريباً پايين)	رشد بدون سياست‌هاي بازتوزيع: (كشورهاي بسيار كم‌درآمد)
نظام ماليات تصاعدي	موثر	موثر براي برخي از كشورها	ناموثر
پرداخت‌هاي انتقالي	موثر	موثر براي برخي از كشورها	ناموثر
يارانه غذايي	موثر	موثر	موثر براي برخي از كشورها
اصلاحات اراضي	موثر اما نه هميشه	موثر	نه براي بيشتر كشورها
بهداشت و آموزش	موثر	موثر	موثر
زيرساختها و	موثر	موثر	موثر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

امور عمومي			

* Refrence: Hulya Dagdeviren etal (2001).

3) اثرگذاري يارانه هاي هدفمند در بازتوزيع درآمدها و كاهش فقر

يارانه‌هاي هدفمند نقدي به عنوان ابزاري براي بازتوزيع درآمدي مطرح مي شود. از اين منظر، در واقع، نوعي «ماليات منفي» محسوب مي‌شود كه به اقشار موردنياز تعلق مي گيرد؛ بنابراين ابزاري است در جهت كارآتر كردن نظام مالياتي *. اما، صرف نظر از اين ادعا، كارآيي اين ابزار سياستي مستلزم پيش‌شرط‌هايي است كه وجود آن‌ها در عمل محل ترديد است. اولين پيش‌شرط اين است كه همراه با اجراي سياست‌هاي تعديل، تورم افزايش نيابد . در غير اين صورت، سهم‌بري صاحبان دارايي‌هاي ثابت با افزايش قيمت كالاها و خدمات افزايش مي يابد و بنابراين الگوي جاري توزيع درآمد در بهترين حالت بدون تغيير باقي مي ماند؛ به عبارتي ديگر، اثر ثانويه منفي افزايش قيمت ها و كاهش دستمزدهاي واقعي براي خانوارهاي فقير ممكن است

* ميلتون فريدمن و رز فريدمن (1367) در فصل چهارم كتاب خود پيشنهاد برچيده شدن نظام تامين اجتماعي جاري و جايگزيني «ماليات من في» به جاي تمام اشكال سياست هاي حمايتي مداخله‌گرايانه را مي كنند. براي اطلاع از جنبه هاي فني اين بحث ر.ك به: جرج وشوري، (1366).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

با اثر مثبت یارانه نقدي پرداخت شده به آن‌ها برابري، و یا درصد مهمي از آن را خنثي کند . علاوه بر این، با افزایش قیمت ها احتمال به زیر خط رفتن خانوارهاي قرار گرفته در انتهاي گروه درآمدي بالاي خط فقر مورد نظر نیز وجود دارد که در محاسبات مدنظر قرار نمي‌گیرند.

دومین پیش شرط، شناسایي تقریباً دقیق خانوارهاي هدف است . چنانچه این شناسایي بر مبناي معي ار درآمدي* صورت گیرد اطلاعات دقیقي درباره وضع درآمدي خانوارها مورد نیاز است که معمولاً در کشورهاي درحال توسعه وجود ندارد؛ به همین دلیل، بررسي هاي انجام شده نشان مي دهد که سیاست هدفمند کردن یارانه ها همراه با خطاهایي است که بسته به ابعاد آن مي توان کارآیي ا ین سیاست را از زاویه دیگري مورد ارزیابي قرار داد. دو نوع خطا به هنگام شناسایي و پرد اخت نقدي به‌وجود مي‌آید: خطاي نوع اول که به معناي پوشش کمتر از حد خانوارهاي هدف است و خطاي نوع دوم که به معناي پوشش درصدي از خانوارهاي غیر هدف است. هرچه خطاي نوع دوم بالا با شد، به این معناست که یارانه هاي هدفمند به سمت یارانه هاي

* براي شناسایي خانوارهاي فقیر سه معیار درآمدي، جغرافیایي و خوداظهاري وجود دارد . براي اطلاع بیشتر ر .ك به: هارولد آلدرمن و کتي لین‌درت (1998).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

همگاني ميل مي كند، و هرچه خطاي نوع اول بالا باشد به اين معناست كه درصدي از خانوارهاي هدف، مورد پوشش قرار نمي گيرند و بنابراين در شرايط جديد همراه با رهاسازي قيمت ها شدت فقر آن‌ها افزايش مي‌يابد:

«به طور كلي شواهد اجمالاً ارايه شده مذكور نشان مي دهند كه يارانه هاي هدفمند كه در برنامه‌هاي تعديل جايگزين يارانه هاي همگاني شده اند، با كاهش خطاهاي E [پوشش جمعيت غير هدف] و نوعاً با افزايش جدي خطاهاي F [عدم پوشش جمعيت هدف] توام هستند. مثال‌هاي جامايكا و سريلا نكا نمونه‌هاي بسيار بارز اين موضوع هستند. از آن‌جا كه ارزش واقعي يارانه هر دريافت كننده به طور معمول افزايش نمي‌يابد، در اغلب موارد، اثر خالص جايگزيني يارانه هاي هدفمند به جاي يارانه هاي همگاني، تشديد فقر است». (استوارت، 145:1376)

سومين پيش شرط امكان استم رار پرداخت يارانه نقدي در حد لازم است . اما، با توجه به قدرت چانه‌زني پايين خانوارهاي فقير در ساخت قدرت، احتمال استمرار چنين سياستي، به ويژه در شرايطي كه دولت با كمبود منابع درآمدي مواجه مي شود، پايين است*؛ در نتيجه، انتظار مي رود كه دست كم

* آمار تياسن (1995) در نقد هدفمندسازي يارانه ها به چهار مورد از جمله ترديد در استمرار آن، به دليل ضعف قدرت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در چنین شرایطی شدت فقر خانوارهای فقیر افزایش یابد و اثر مثبت یارانه نقدی به دست آمده در سال‌های قبل را نیز خنثی کند.

پیش‌شرط چهارم، پایین بودن هزینه های اداری و تشکیلاتی یارانه‌های هدفمند است. در غیر این‌صورت، بار مالی این سیاست به همراه آثار منفی دیگر، ممکن است تمام یا د رصد مهمی از دستاوردهای موردنظر در زمینه ی رشد و کنترل کسری بودجه را خنثی کند. بررسی‌های انجام شده در مورد برخی از تجربه ها نشان می‌دهد که:

«هزینه‌های اداری یارانه های غذایی هدفمند بالا و در حدود دو تا پنج درصد هزینه‌های کل برنامه‌ها بوده‌اند.... شواهد مربوط به بریتانیا و ایالات متحده این نتیجه گیری را تایید می کند. در هفت مورد از برنامه‌های بریتانیا، هزینه‌های اداری در حدود 3/5 درصد برنامه های همگانی و بین پنج تا 15 درصد برنامه های آزمون شده،تخمین زده شدند » (استوارت، 1376:31-130)

و پیش‌شرط نهایی، عدم تاثیر منفی شناسایی فقرا

چانه‌زنی فقرا در ساخت قدرت، و همین‌طور به اثر منفی شخصیت شکن این روش بر فقرا اشاره می‌کند. به‌طور کلی وی با معرفی رویکرد «پولی» را به دلیل بی‌توجهی به قابلیت‌های افراد که تابعی از «کالای اجتماعی» است نقد می کند و بر این باور است که این دیدگاه ناتوان از درک علل اساسی فقر است . برای اطلاع بیشتر ر.ک به: علی دینی ترکمانی (1382).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

از نظر رواني و شخصيتي است؛ در اين باره نيز، چنانچه سن معتقد است، يكي از آثار اين روش، احساس شكسته شدن فقرا در انظار عمومي است. بنابراين كارآيي آن بايد بر مبناي چنين هزينه‌هاي رواني نيز سنجيده شود.

4) اثرگذاري سياست هدفمندكردن يارانه ها در رشد، بازتوزيع درآمدها و كاهش فقر: شرايط خاص اقتصاد ايران

بر مبناي آنچه گفته شد و همين طور تحليل ها و گزارشهاي ارايه شده درباره ضرورت هدفمندسازي يارانه، معمولاً موارد زير به عنوان اهداف سياست نقدي كردن يارانه‌ها در ايران، طرح مي‌شود.*

ـ افزايش كارآيي نظام اقتصادي از طريق رهاسازي قيمت كالاهاي يارانه‌اي؛

ـ كاهش مصرف كالاهاي يارانه‌اي و بهينه كردن مصرف اين كالاها و همين‌طور كاهش قاچاق؛

ـ كاهش مخارج عمومي و رفع عدم تعادل بودجه‌اي؛

ـ كاهش شكاف در مصرف كالاها و خدمات بين گروه هاي درآمدي، و همين‌طور بين جامعه شهري و روستايي.

در ادامه اين مقاله، از رويكردي ساختارگرايانه ـ نهادگرايانه به بررسي فرضيه هاي

* براي نمونه ر.ك به: سازمان مديريت و برنامه‌ريزي (1380).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

طرح شده درباره پرداخت نقدي يارانه ها مي‌پردازيم.

4-1) ناكارآيي قيمتي و ناكارآيي سازماني: كدام يك در اقتصاد ايران مانع اصلي رشد است؟

هدف اصلي سياست نقدي كردن يارانه ها، حذف اختلال‌هاي قيمتي، افزايش كارآيي در تخصيص منابع و در نهايت افزايش ميزان رشد اقتصادي است. اما، در شرايط خاصي چون اقتصاد ايران به نظر مي رسد كه مانع اصلي رشد، ناكارآيي هاي سازماني و فني متاثر از موانع نهادي است. اگر اين فرضيه توضيح و تبيين واقع‌بينانه و قوي‌تري از تحولات توسعه اي ايران طي سال هاي گذشته به دست دهد، اين نتيجه را مي‌توان گرفت كه تاكيد بر اصلاحات قيمتي به مثابه‌ي راهبرد اساسي در نيل به هدف رشد اقتصادي بالاتر، نادرست است.

ناكارآيي قيمتي، زماني رخ مي‌دهد كه در فرآيند توليد، تركيب بهينه اي از عوامل توليد، با توجه به قيمت‌هاي نسبي آن‌ها، بكار گرفته نمي شود. در نتيجه به ازاي سطح خاصي از توليد، هزينه توليد بيشتر از زماني مي‌شود كه اين تركيب بهينه است.

ناكارآيي سازماني، زماني رخ مي دهد كه در فرآيند توليد به دلايل سازماني چون ضعف مديريت، درگيري‌هاي كاري در بنگاه، عدم تامين به موقع مواد اوليه و خام، مشكلات بازاريابي و غيره از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تركيب مشخصي از عوامل توليد، حداكثر ميزان ممكن توليد به دست نمي‌آيد*.

چنانچه در اقتصادي كارآيي قيمتي و كارآيي سازماني هر دو وجود داشته باشد، ميزان رشد حداكثر مي شود. اگر، كارآيي قيمتي وجود داشته‌باشد و كارآيي سازماني وجود نداشته باشد، ميزان رشد تابعي از برآيند اين دو نوع كارآيي خواهد بود. هرچه ناكارآيي سازماني بيشتر باشد، امكان‌پذيري تحولات كيفي پيش برنده فرآيند توسعه ناممكن و اثربخشي سياست هاي قيمتي بر رشد اقتصادي نيز محدود خواهد شد.

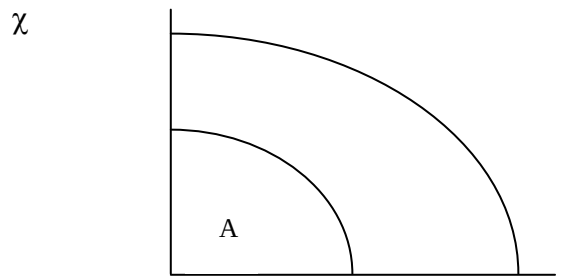
براي شناسايي ابعاد ناكارآيي هاي موجود در اقتصاد ايران، بايد مطالعه ي مستقلي با استفاده از داده هاي وسيع تر و روش هاي فني مناسب صورت گيرد كه در چارچوب اين مقاله نمي گنجد. در اين‌جا، با استناد به مطالعات انجام شده اين حدس اوليه زده مي‌شود كه ابعاد ناكارآيي سازماني در

* هاروي لي‌بنشتاين (1978) اين نوع موانع توليد را در قالب مفهوم «ناكارآيي - x» صورت‌بندي كرده است. گونار ميردال (1366) نيز «دولت سست و ضعيف» را از جمله علل مهم ضعف رشد در برخي از اقتصادها مي‌داند. طي سال‌هاي اخير مطالعات مختلفي، از رويكرد نهادگرايانه درباره تاثير عوامل نهادي بر رشد و فقر انجام شده است. براي نمونه، احسن (2001)، اين روش را در مورد برخي از كشورهاي خاورميانه و شمال آفريقا به كار برده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اقتصاد ایران بسیار بالاست. براي نمونه داده هاي ميداني مورو، نشان مي دهد كه در نيمه اول دهه 1990، كارآيي سازماني در اقتصاد ايران بسيار پايين و در ميان 63 كشور جهان داراي رتبه ي 58 بوده است (مورو، 1995). در اين مطالعه ميانگين كارآيي نظام اداري، كارآيي قوه‌ي قضائيه و ميزان فساد، كارآيي سازماني يا حكمراني را به دست مي‌دهد**.

ناكارآيي سازماني به اين معناست كه در اقتصاد ايران دو نوع منحني امكانات توليد وجود دارد: منحني امكانات توليد بالفعل و منحني امكانات توليد بالقوه اي كه در عمل خارج از دسترس است، اما بر مبناي توان و امكانات علمي و فني موجود در ايران و خارج ازايران، به سهولت مي تواند در در دسترس باشد.



** فرار مغزها و ريسك بالا براي انباشت سرمايه از جمله ديگر شاخص هايي است كه ناكارآيي سازماني را مي توان با آن‌ها سنجيد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

γ

نكته حايز اهميت اين است كه بر مبناي سياستهاي قيمتي شايد بتوان از نقطه اي چون A به سمت منحني اول حركت كرد، اما ام كان حصول به نقاط مجاور منحني دوم با استفاده از چنين سياستهايي ميسور نيست و تنها از طريق رفع ناكارآييهاي سازماني ميتوان به آن سو حركت كرد. فاصله بين دو منحني ناشي از ناكارآيي سازماني است كه به صورت ضعف شديد در متغيرهاي كلان اقتصادي ـ انباشت سرمايه، توليد ملي و در نتيجه درآمد سرانه پايين ـ در مقايسه با كشورهاي ديگر نمود پيدا ميكند.

به اين موضوع از زاويه ديگري نيز مي توان پرداخت و آن اينكه اساساً سهم يارانه هاي پرداختي ـ با احتساب مابه التفاوت نرخ ارز ـ از توليد ناخالص داخلي به چه ميزان است . اين سهم در سال 1382، 2/6 درصد بوده است؛ اين رقم چندان قابلتوجهي به نظر نمي رسد كه تأثير مهمي بر عملكرد اقتصادي از طريق اختلال در نظام قيمت ها، بگذارد.

در عين حال، نوع يارانه پرداختي كه از محل منابع دولتي پرداخت مي شود و تأثيري در مازاد رفاه توليدكننده ندارد، تأثير يارا نه پرداختي بهويژه براي كالايي چون گن دم، بر طرف ـ عرضه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اقتصاد را زير سؤال مي‌برد. در واقع، قيمت خريد تضميني گندم، به نظر مي‌رسد كه با توجه به كيفيت برخي از گونه هاي گندم توليدي، بيشتر از قيمت جهاني نيز است. با اين نگاه آنچه در اقتصاد ايران در ارتباط با يارا نه كالاهاي اساسي موضوعيت پيدا مي كند، امكان پوشش آن در بودجه دولت است و نه اختلال‌هاي قيمتي محدودكننده رشد.

جدول 4: سهم يارانه‌هاي پرداختي براي كالاهاي اساسي از بودجه توليد ناخالص داخلي طي سال‌هاي 82-1370

يارانه‌هابه قيمتجاري (ميليارد ريال)	بودجه دولت (ميلياردري ال)	نسبتيارانه‌ها به بودجه دولت(درصد)	نسبت يارانه‌ها به درآمدهاي مالياتي(درصد)	نسبت يارانه‌ها به ناخالص داخلي(درصد)	كل رايانه‌ها به قيمتثابت (ميلياردري ال)	يارانه سرانه به قيمت جاري(ري ال)	يارانه به ق ثابت
514/9	809/9	6/4	18/6	1/1	426/6	9222	640
1063/8	10756/8	9/9	27/7	1/6	708/7	18776	509
2337/7	20886/9	11/2	52/3	2/1	1267/7	40664	052
3686/1	28912/4	12/7	67/1	2/8	1478/6	63194	349
4895/1	41330/9	11/8	66/9	2/6	1314/5	84127	590
5506	56783/1	9/7	44/6	2/3	1200/1	91682	998
5085/3	65438	7/8	29/3	1/7	944/9	83374	491
5806/1	7097/3	8/2	31/1	1/8	913/5	93886	771
7071/2	93160/8	7/6	27/4	1/6	926/5	112599	754
8898/1	108316/2	8/2	25/3	1/5	1035/4	139249	203
10011/	131883	7/6	23/9	1/5	1047/3	154270	140
21527/	229963	9/4	42/6	2/4	1944/9	326181	469
28875/	367261	7/9	44/4	2/6	2256/7	430459	642

مأخذ: بانك مركزي، گزارش اقتصاد و ترازنامه، سال هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-01-04]

مختلف.
ـ سازمان مديريت و برنامه ريزي، قانون بودجه، سال هاي مختلف.
ـ سازمان حمايت از مصرفكنندگان و توليدكنندگان.

2-4) كاهش مصرف كالاهاي يارانه اي و بهينه كردن مصرف اين كالاها

مصرف نان، قند و شكر و روغن نباتي در ميان كالاهاي خوراكي، و همين‌طور بنزين از متوسط سرانه مصرف جهاني اين كالاها بيشتر است. بنابراين، يكي از اهداف سياست نقدي كردن يارانه‌ها كه متناظر با رهاسازي قيمت اين كالاهاست، محدود كردن مصرف اين كالاها و همين‌طور جلوگيري از ضايعات كالاهايي چون نان است. در اين‌باره چند نكته وجود دارد:

الف) سهم يارانه پرداختي بابت قند و شكر و روغن نباتي از كل يارانه‌هاي پرداختي ناچيز است (جدول شماره 5). بنابراين، مصرف بالاي اين كالاها بيشتر تحت تاثير الگوي غذايي خانوارهاست تا يارانه پرداختي به آن‌ها.

ب) در مورد مصرف بيش از اندازه نان نيز بايد توجه داشت كه علت مصرف بيش از اندازه آن جنبه تغذيه‌اي دارد. طبيعي است كه با افزايش قيمت كالاهاي جانشين نان طي سال‌هاي گذشته، نان جانشين آن‌ها شده‌است. بنابراين، از اين منظر، هر تلاشي براي كاهش مصرف نان، بدون ارايه جانشين هاي مناسب، به معناي بدتر شدن شرايط تغذيه اي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

خانوارها خواهد بود.

در مورد ضایعات نان نیز به نظر می‌رسد که متغیر قیمت نقش مسلطی در میزان آن ندارد. اگر قیمت نان متغیر مسلطی باشد، در این صورت انتظار می‌رود که میزان ضایعات نان هایی که با قیمتی بالاتر در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود کمتر از قیمت نان عرضه شده در نانوایی‌ها باشد. اما، مطالعات میدانی انجام شده نشان می‌دهد که درصد ضایعات این دو نوع نان چندان تفاوتی با هم ندارند *. در این جا آن چه تعیین‌کننده اصلی است، کیفیت پخت نان است که تحت تاثیر نوع آرد، فناوری تولید و تعداد نوبت پخت نان در یك روز و کیفیت نیروی کار است

ج) در مورد بنزین، نکاتی وجود دارد که معمولاً در مباحث جاری به آن‌ها توجه نمی‌شود.

ـ چنانچه قیمت بنزین بر مبنای متوسط مصرف هر اتومبیل در یکصد کیلومتر تعدیل شود، قیمت تمام شده آن برای مصرف کننده بسیار بیشتر از قیمت جاری خواهد بود. بر مبنای داده های موجود متوسط مصرف هر اتومبیل ایرانی به ازای یکصد کیلومتر 12 لیتر و هر اتومبیل خارجی استاندارد 6 لیتر است (محمدرحیم احمدوند، 1382)؛ اگر قیمت بنزین در کشورهای خلیج‌فارس را قیمت سایه ای بنزین در نظر بگیریم که تقریباً 25 سنت (عبدالرضا رضایی،

* برای اطلاع بیشتر ر.ك به: علی دینی ترکمانی (1376).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

1384) (با نرخ آزاد دلار، 9000 ﷼، معادل 2250﷼) است، شاخص قيمت بنزين در ايران و اين كشورها به ترتيب برابر 102 و 132 است؛ نسبت اين دو شاخص نشان مي‌دهد كه، مصرف‌كننده ايراني براي طي يكصد كيلومتر مسافت

جدول5: يارانه‌هاي پرداختي به كالاهاي اساسي خوراكي، كود و سم طي سال‌هاي 82-1370

ارقام : ميليارد ﷼

سال	گندم	قند و شكر	شير و پنير	روغن	گوشت	برنج	كود و سم
1370	250.2	81	30	-	-	-	79
1371	512.5	193	51	-	-	-	85
1372	1154.4	205	103	-	-	-	238
1373	2094.5	294.9	129	255	237	116	522
1374	2881	329	226	358	225	203	603
1375	3609	345	331	307	192	188	562
1376	3390	292	411	136	111	77	588
1377	4475	85	284	177	84.2	159	496
1378	5200	20	481	-	180	98	530
1379	5835	434	623	-316	240	42	601
1380	6819	439	89	70	655	-70	528
1381	13759	-	665	-	398	-	2328
1382	15802	-	-	-	-	-	2362/9

ارقام خانه‌هاي جدول كه با (-) مشخص شده اند، در دسترس نيست.

توضيح: جمع اين ارقام به‌علاوه ارقامي كه در دسترس نيست كل يارانه پرداختي در سال مورد نظر را به دست مي دهد. اين رقم با كل يارانه پرداختي جدول 4 تفاوت دارد كه ناشي از عدم لحاظ تعهدات مالي مربوط به يارانه‌هاي پرداختي در سال مورد نظر در اين جدول است . در واقع جدول 5 يارانه‌هاي پرداختي و تعهدات مالي باقيمانده را در جدول 5 تنها يارانه‌اي پرداختي در سال مورد نظر را در برمي‌گيرد.

م أخذ: سازمان حمايت از مصرف‌كنندگان و توليدكنندگان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تقريباً 80 درصد هزينه پرداختي مصرف كننده كشورهاي حاشيه خليج فارس را مي پردازد و نه 30 درصد آن را*.

به عبارتي ديگر هر اتومبيل ايراني به ازاي يكصد كيلومتر دو برابر اتومبيل خارجي بنزين مصرف مي‌كند كه به معناي صرف هزينه اي معادل 1700 ﷼ براي طي مسافتي يكصدكيلومتري است . نتيجه اين‌كه، بالا بودن ميزان مصرف بنزين بيش از آن‌كه ناشي از ارزاني آن باشد، ناشي از استاندارد نبودن اتومبيل‌هاي ساخت داخل و مستهلك شدن بخش مهمي از آن‌هاست.

ـ كالاي جانشين براي اتومبيل شخصي، حمل و نقل عمومي است. هرچه حمل و نقل عمومي با هزينه ي حسابداري و فرصت زماني كمتر در دسترس باشد، تقاضا براي اتومبيل شخصي و در نتيجه كالاي مكمل آن (بنزين) كشش‌پذيرتر خواهد بود و هرچه كمتر باشد، كم كشش‌تر. به نظر مي رسد كه با توجه به بالا بودن هزينه زماني استفاده از حمل و نقل عمومي، كشش قيمتي تقاضا براي اتومبيل شخصي كمتر از واحد است**. بنابراين، در چنين شرايطي سياست

---

* شاخص قيمت تمام شده بنزين براي مصرف كننده ايراني و خارجي به ازاي هر يكصدر كيلومتر برابر است با:

$850 * \frac{12}{100} = 102$ $2200 * \frac{}{} = 132$

** در مطالعات انجام شده كشش قيمتي ك وتاه‌مدت و بلند مدت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قيمتي چندان موثر نخواهد بود . بايد توجه داشت كه همزمان با افزايش قيمت بنزين و بالا رفتن هزينه استفاده از اتومبيل شخصي، هزينه حسابداري خدمات تاكسي‌ها و هزينه فرصت زماني خدمات حمل و نقل عمومي (به علت افزايش تراكم مسافر) نيز افزايش مي‌يابد. هر چه ميزان اين افزايش نزديك به افزايش هزينه استفاده از اتومبيل شخصي باشد، به معناي شبه ثابت ماندن قيمت نسبي خدمات اتومبيل شخصي به خدمات حمل و نقل عمومي و غير عمومي خصوصي خواهد بود . در نتيجه، از اين نگاه انتظاري نمي رود كه به علت اثر جانشيني اتفاق مهمي رخ بدهد كه مد نظر اين سياست است.

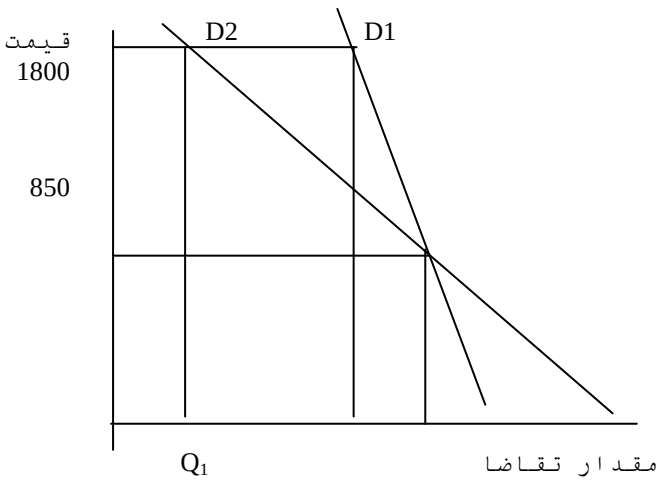
علاوه بر اين چنانچه همزمان با افزايش قيمت

بنزين كمتر از واحد برآورد شده است. براي مثال پاك‌نژاد و صفحي (1380) اين كشش را به ترتيب 0/117- و 0/59- برآورد كرده‌اند.

همچنين حسيني (1384) در برآوردي كه انجام داده، به اين نتيجه رسيده است كه قيمت هاي كمتر از 3200- 2900 ﷼ به ازاي هر ليتر بنزين در محدود كشش‌ناپذير منحني تقاضاي اين كالا قرار دارند . بنابراين براي كشش پذيركردن رفتار مصرفكننده، قيمت بايد به بالاتر از محدوده 3200-2900 ﷼ افزايش يابد . وي به جاي كاربرد اين سياست قيمتي، سياست‌هاي غيرقيمتي (گسترش حمل و نقل عمومي، بهبود فناوري خودروهاي توليدي با مصرف س وخت كمتر، خارج كردن خودروهاي فرسوده، دوسوخته كردن خودروها، و جايگزين كردن سوخت گاز به جاي بنزين) را پيشنهاد مي‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بنزین، دارندگان اتومبیل درآمدهاي خود را تعدیل نمایند، به علت اثر درآمدي نیز بخشي از کاهش مورد انتظار در مصرف جبران مي‌شود.



اگر منحني کنوني تقاضاي بنزین، D_1 باشد، با افزایش قیمت از 850 به 1800ریال، میزان مصرف به اندازه Q1Q2 واحد کاهش مي یابد (با ثابت ماندن درآمد و قیمت کالاي جانشین). حال آن که در صورت کشش‌پذیر بودن منحني تقاضا، به ازاي همین افزایش قیمت، انتظار مي رود که میزان تقاضا به اندازه Q1Q3 واحد کاهش یابد. بنابراین، راه کار اساسي براي مواجهه با مصرف بیش از اندازه بنزین و اثربخش‌تر کردن سیاس ت قیمتي بر آن، کشش پذیرتر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كردن تقاضا براي بنزين است؛ ارايه جانشين مناسب (حمل و نقل عمومي مناسب)، تغيير فناوري توليد خودروها و حذف خودروهاي فرسوده و مستهلك از جمله پيش شرطهاي كشش پذيرتر كردن تقاضا براي بنزين است.

4-3) كاهش مخارج عمومي و رفع عدم تعادل بودجه اي

در چارچوب برنامه تعديل ساختاري و تثبيت اقتصادي فرض بر اين است كه يارانه ها بار مالي دولت را افزايش مي دهد كه يكي از پيامدهاي آن توسل به كسري بودجه و در نتيجه افزايش عرضه ي پول به ميزاني بيش از ميزان رشد توليد است . از اين‌رو، بر كاهش مخارج عمومي تاكيد م يشود. در اين‌جا دو نكته شايان ذكر است:

الف) كاهش مخارج عمومي از طريق سياست نقدي كردن يارانه ها زماني ممكن مي شود كه تنها به خانوارهاي هدف، يارانه پرداخت شود و نه تمام خانوارها. چنانچه به علت مشكل شناسايي و عدم تقارن اطلاعات به تمام خانوارها يارانه نقدي پرداخت شود، در اين صورت انتظار رفع ناتوازني بودجه اي از محل اجراي اين سياست منتفي مي شود، چرا كه مخارج صرف شده تفاوتي با شرايط كنوني نخواهد داشت. در واقع، اجراي اين سياست به اين صورت به معناي توجه صرف به رفع اختلال هاي قيمتي است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اگر یارانه ي نقدي تنها به خا نوارهاي فقير پرداخت شود كارآيي آن، چنانچه پيشتر ذكر شد، منوط به شرايط زير است:

ـ شناسايي خانوارهاي فقير با ضريب خطاي كم؛

ـ پايين بودن هزينه ي اداري تشكيلات مربوط به اين سياست.

پرداخت يارانه نقدي هدفمند هزينه هاي اداري دارد كه در برخي از كشورها ميزان آن تا 15درصد يارانه‌هاي همگاني نيز برآورد شده است. هرچه هزينه‌هاي اداري يارانه هدفمند بالا باشد، كارآيي اين سياست در صرفه‌جويي مخارج كمتر خواهد شد.

ب) تورم در اقتصاد ايران به نظر مي‌رسد بيش از آن‌كه ناشي از كسري بودجه دولت باشد، ناشي از ناكارآيي‌هاي فني و سازمان ي است كه به صورت رشد كم طي سال‌هاي گذشته نمود پيدا كرده است. اگر اين نكته صحيح باشد، مي توان نتيجه گرفت كه ميزان تورم را از طريق كنترل مخارج عمومي مربوط به يارانه‌ها چندان نمي‌توان تحت تاثير قرار داد؛ به ويژه زماني كه اجراي اين سياست خود آثار تورمي در پي د ارد و بر ميزان هزينه هاي دولت تاثير مي‌گذارد.

اين نكته به معناي ناديده گرفتن تاثير نقدينگي برطرف تقاضاي اقتصاد و آثار تورمي آن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نيست*، بلكه به اين معناست كه تورم در ايران به صورت يك پديده ساختاري درآمده كه ريشه هاي آن به ضعف در عملكرد اقتصادي طي سال هاي گذشته باز مي‌گردد. آمار بانك مركزي نشان مي‌دهد كه ميانگين ميزان رشد نقدينگي در دو دوره 56-1338 و 80-1357 برابر 23/5 درصد و ميانگين ميزان رشد تورم در اين دو دوره به ترتيب 6/3 و 20/92 درصد بوده است. اين تفاوت زياد در عملكرد تورم را نمي‌توان بر مبناي متغير نقدين گي، كه در هر دو دوره يكسان است، توضيح داد؛ تفاوت فاحش در عملكرد رشد اقتصادي طي دو دوره است كه مي تواند اين اختلاف زياد در عملكرد تورم را توضيح دهد. در واقع، در دوره اول، طرف عرضه اقتصاد به ازاي ميزان مشابهي از اعتبارات بانكي صرف شده در پروژه هاي سرمايه گذاري، تحول اساسي داشته و بنابراين تقاضاي افزايش يافته بر اثر نقدينه اضافه شده را كنترل كرده است. به عبارتي ديگر، به علت بالابردن بهره وري سرمايه در دوره اول، به ازاي پول تزريق شده به اقتصاد، عرضه كالا و

* ساختارگرايان جديد ضمن توجه به نقش قيمت ها در تخصيص منابع، به سياست هاي پولي انبساطي دولت نيز به عنوان متغيري كه حتي الامكان بايد كنترل شود توجه دارند . براي اطلاع بيشتر ر.ك به:
_ ديويد كلمن و فرد نيكسون (1378)، (فصل دوازدهم)؛
_ ميگوئل دواميرز (1380)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

خدمات نیز افزایش قابل توجهي داشته و در نتیجه شکاف میان عرضه و تقاضا کنترل شده است. در دوره دوم، به علت پایین بودن بهره وري سرمایه، طرف عرضه اقتصاد حداقل میزان رشد را داشته و بنابراین شکاف میان عرضه و تقاضا افزایش یافته و تورم بالاتري را به‌وجود آورده است ناگفته نماند که در بحث کسري بودجه، ناتواني نظام مالیاتي در پوشش مالیاتي و ممانعت از فرار مالیاتي از جمله علل دیگر کسري بودجه محسوب مي‌شود.

جدول6: میزان نقدینگي، رشد و تورم طي دو دوره 56-1338 و 80-1357

دوره	1338-56	1357-80
میانگین نرخ رشدنقدینگي	23/5	23/4
میانیگن نرخ رشد تورم	6/3	20/9
میانگین نرخ رشد تولید	10/1	2/5

مأخذ: بانك مرکزي، حساب‌هاي ملي، سال‌هاي مختلف

4-4) کاهش شکاف در مصرف کالاها و خدمات

برابرتر کردن توزیع در مصرف کالاها و خدمات یکي دیگر از اهداف سیاست نقدي کردن یارانه است. طرفداران این سیاست با استناد به میزان مصرف کالاهاي یارانه اي در گروه هاي درآمدي مختلف و شکاف موجود، استدلال مي‌کنند که با پرداخت نقدي، خالص رفاه خانوارهاي کم درآمد افزایش و خانوارهاي با درآمد بالا کاهش مي‌یابد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

به نظر مي‌رسد در چنين محاسباتي به اثر ثانويه سياست رهاسازي قيمت كالاها و خدمات، يعني افزايش بازده دارايي‌هاي ثابت خان وارهاي با درآمد بالا، توجهي نمي‌شود. در واقع، چنانچه پيشتر ذكر شده، آن‌چه علت اصلي شكاف در توزيع مصرف است، شكاف در درآمدهاي اوليه است كه خود تابعي از توزيع نا برابر دارايي‌هاي ثابت است.

مطابق آمار آخرين سرشماري عمومي كشاورزي (مركز آمار ايران، 1372)، 48درصد بهره‌برداران خرده مالك، 11 درصد از اراضي كشاورزي را در اختيار دارند كه مساحت هر كدام از آن‌ها به طور متوسط كمتر از پنج هكتار است . در مقابل، 1/8 درصد از كشاورزان بزرگ مالك، حدود 20درصد از اراضي را مالك اند كه مساحت هر كدام از آن‌ها بين50 تا بيش از 100هكتار است (جدول شماره 7).

جدول 7: درصد تعداد بهره‌برداران و مساحت زمين به تفكيك طبقات بهره‌برداري

	بهره‌برداري	مساحت
كمتر از 5 هكتار	57402 (48)	92584 (11/1)
از 5 تا 20 هكتار	49732 (6/8)	361566 (43/2)
از 20 تا 35 هكتار	8153 (6/8)	164254 (19/6)
از 35 تا 50 هكتار	1997 (1/7)	65769 (7/9)
از 50 تا 100 هكتار	1636 (1/4)	84701 (10/1)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

از 100 به بالا	274 (0/4)	67151 (8)
جمع	119394	836025

مأخذ: مركز آمار ايران، 8:1372 .

همچنين ضريب جيني بالا در جامعه شهري نشان‌دهنده توزيع نابرابر بيش از اندازه (0/42) است.

در چنين ساختار توزيع دارايي، اثر رهاسازي قيمت كالاهاي يارانه اي و تورم ناشي از آن به معناي انتقال بار تورمي چنين سياستي به خانوارهاي كم‌درآمد و خنثي‌سازي اثر يارانه نقدي مي‌باشد.

جدول8: ضريب جيني و سهم دهك‌هاي جمعيت از درآمد، براساس هزينه‌ي ناخالص سرانه خانوار شهري (درصد)

سال / دهك و ضريب جيني	1376	1381
دهك اول	2/1	2/1
دهك دوم	3/4	3/4
دهك سوم	4/4	4/4
دهك چهارم	5/4	5/4
دهك پنجم	6/4	6/5
دهك ششم	7/7	7/8
دهك هفتم	9/3	9/4
دهك هشتم	12	12
دهك نهم	16	16

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

دهك دهم	34	33
ضريب جيني	42	42

مأخذ: مركز آمار ايران، 1384:115-114

5) هدفمندسازي يارانه‌ها و سياست قيمت گذاري تبعيضي

چنانچه دولت مبنا را بر هدفمند كردن يارانه ها بگذارد، چگونه مي توان اين سياست را با حفظ شرايط موجود پيش‌برد؟

پاسخ در كاربرد سياست قيمت گذاري تبعيضي است كه به نوعي با روش خوداظهاري سازگار است.

قيمت‌گذاري تبعيضي به معناي تعيين قيمت هاي مختلف براي كالاها و خدمات خاص بر مبناي كشش هاي درآمدي تقاضاي مصرف كنندگان در بازارهاي مختلف است. كالاها و خدماتي يكسان با كيفيت هاي مختلف را نيز مي توان شامل حال اين سياست قرار داد . چنانچه براي كالايي با كيفيت هاي مختلف، نسبت قيمت به هزينه نهايي آن كالا در كيفيت هاي مختلف متفاوت باشد، مي توان آن كالا را شامل حال اين سياست قرار داد*.

* «در عمل قيمت‌گذاري‌هاي تبعيضي عبارتند از: تبعيض بر حسب زمان مصرف، تبعيض بر حسب مكان مصرف، تبعيض برحسب كيفيت كالا، تبعيض بر حسب نوع مصرف، تبعيض بر حسب فرد مصرف‌كننده» (عبدالله جيروند، 116:1368). «تبعيض قيمت در جايي وجود دارد كه قيمت هاي مختلف براي كالاها يا خدماتي تعيين مي‌شود كه هزينه‌ي توليد آن ها يكسان است. يا در جايي وجود

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نوع با کیفیت‌های پایین چنین کالاهایی را می‌توان با یارانه، و انواع مرغوب‌تر و با کیفیت‌تر مورد تقاضای مصرف کنندگان با درآمدهای بالا را با یارانه کمتر یا بدون یارانه عرضه کرد. نان‌های سنتی در مقابل نان های فانتزی، شیر بادوام در مقابل شیرهای کم‌دوام، روغن‌های با کیفیت بالا در مقابل سایر روغن ها، قند ماشینی در مقابل قند کله‌ای، بنزین سوپر در مقابل بنزین معمولی از جمله مواردی است که می‌توان این سیاست را در مورد این کالاها بکار برد.

در مورد کالاهایی که کشش درآمدی تقاضا برای آن‌ها منفی است (کالاهای پست) معمولاً یارانه صرف شده برای آن‌ها صرف گروه های درآمدی پایین تر می‌شود. برای مثال، در مورد نان، داده های مرکز آمار ایران نشان می دهد که مصرف آن در گروه های درآمدی پایین شهری بیش از گروه‌های درآمدی بالاست. علاوه بر این، با توجه به قیمت نان مصرف شده در دهک‌های مختلف جدول شماره 9، می‌توان دریافت که درصدی از نان مصرف شده در دهک‌های بالای درآمدی از نوع نان های غیرسنتی با یارانه کمتر است؛ کاهش

دارد که تفاوت های قیمت، بیشتر از تفاوت های هزینه های مربوط باشد. همچنین قیمت های تبعیضی، زمانی که علی رغم تفاوت‌های در هزینه ها یک قیمت یکسان برای بازار تعیین می‌شود، نیز وجود دارند» (منبع پیشین، جرج وشوری:39-138)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ميزان مصرف نان با افزايش درآمد دالّ بر «پست بودن» نان در جامعه شهري است . مي‌توان گفت كه، بالابودن سهم مطلق و نسبي مصرف نان در خانوارهاي با درآمد پايين هم به معناي نقش مهم نان در امنيت غذايي آن‌ها است و هم به معناي سهم بري بيشتر آن‌ها از يارانه نان.**

اين محاسبات نشان مي‌دهد كه اولاً، با كاهش كشش درآمدي تقاضا، سهم اقشار فقير از يارانه غذا بيشتر مي‌شود، ثانياً، اين سهم بري در جامعه اي كه نابرابري درآمدي بالاتري دارد، بيشتر از جامعه اي است كه نابرابري درآمدي آن كمتر است.

جدول 9: جدول قيمت و مصرف سرانه نان در گروه‌هاي مختلف هزينه در مناطق شهري طي سال‌هاي 1382-1380

گروه هزينه		متوسط جامعه	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم	گروه پنجم	گروه ششم	گروه هفتم	گروه هشتم	گروه نهم	گروه دهم
1380	مقدار مصرف سرانه (كيلوگرم)	140.1	148.1	150.8	153.3	148.3	145.8	142.9	136.5	137.2	127.5	113.1
	قيمت (ريال)	590.3	546.7	523.4	537.3	547.5	566.3	593.3	587.6	607.1	659.6	723.9
1381	مقدار مصرف سرانه (كيلوگرم)	128.2	138.4	138.7	138.4	137.0	130.7	130.1	132.8	128.6	119.5	109.5
	قيمت (ريال)	729.2	628.1	636.5	651.4	656.0	676.5	697.9	715.7	739.1	786.3	876.2
1382	مقدار مصرف سرانه	130.4	140.6	170.9	152.3	138.9	137.7	138.7	137.7	128.2	125.2	115.9

** آلدرمن و ليندرت (1998) چگونگي سهم‌بري فقرا از كالاهاي يارانه‌اي را، برحسب كشش هاي مخارج (درآمد)، بر مبناي داده‌هاي آفريقاي جنوبي (نابرابري بالا) و آلباني (نابرابري پايين)، محاسبه كرده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

											(کیلوگرم)
953.7	894.4	827.2	787.2	775.0	798.1	755.0	720.0	681.2	744.5	835.3	قیمت (ریال)

مأخذ: مرکز آمار ایران ، **مطالعات بودجه خانوار** ، سال های مختلف

علاوه بر کیفیت‌های متفاوت، هزینه ي فرصت زماني ایستادن در صف براي تهیه‌ي کالاهاي یارانه‌اي نیز، علت دیگري براي گرایش خانوارهاي بادرآمد بالا به سمت مصرف انواع غیریارانه اي یا با یارانه کمتر چنین کالاهایي است. بنابراین، با ارایه همزمان کالاهاي یارانه اي و غیریارانه اي از کالاهاي مشابه، مي توان بر مبناي هزینه فرصت زماني ایستادن در صف که معمولاً براي خانوارهاي با درآمد بالا، بیشتر از کم درآمدهاست، سیاست هدفمندسازي را پیش برد . ویژگي‌هاي مثبت این سیاست به شرح زیر است:

اول اینکه، اثر تورمي رهاسازي قیمت کالاهاي یارانه‌اي را ندارد. دوم اینکه؛ هدفگذاري، بدون نیاز به مساله شناسایي خانوارهاي آسیب‌پذیر اجرا مي‌شود؛ سوم اینکه، خانوارهاي فقیر با پدیده فقر ذهني شخصیت شکن موجود در هدف گذاري اداري و یا خوداظهاري مواجه نمي شوند؛ و چهارم اینکه اطمینان بیشتري وجود دارد که خانواره اي فقیر به کالاهاي یارانه‌اي دسترسي پیدا مي‌کنند.

در مورد بنزین، با توجه به کشش ناپذیري قیمتي مقدار تقاضا براي آن و همین طور با توجه به آسیب‌هاي زیست محیطي حاد ناشي از آلودگي در کلا ن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شهرهايي چون تهران، به نظر مي رسد كه اعمال سياست محدوديت مقداري تنها راه براي كاهش تردد اتومبيل‌هاي شخصي است. البته، در همين مورد نيز برخورد تبعيضي با تاكسي ها، به منظور كنترل هزينه‌ي حمل و نقل ، ضروري است. اين نكته به معناي عدم تعديل تدريجي قيمت بنزين در هر سال نيست.

6) نتيجه

رابطه‌ي ميان يارانه ها، رشد و فقر موضوعي مورد مناقشه در حوزه نظريه پردازي اقتصادي است . رويكرد نئوكلاسيك با ت أكيد بر «اثر انحرافي» اختلال‌هاي قيمتي، يارانه هاي همگاني را مانع تخصيص بهينه منابع و در نتيجه رشد مي داند. از اين منظر، كنترل هاي قيمتي، چه به منظور حمايت از مصرف كننده و چه به منظور حمايت از توليدكننده، در نهايت به ضد خود تبديل مي شود و فقر را بيشتر مي‌كند.

تجربه‌ي تاريخي طي دو دهه گذشته نشان مي‌دهد كه توصيه سياستي اين رويكرد مبني بر رهاسازي قيمت‌هاي كالا و خدمات، كاهش پرداخت هاي انتقالي، و كنترل دستمزدها در بسياري از كشورهاي جهان اثر منفي بر وضع ر فاهي فقر گذاشته است . از همين‌رو، در دهه 1990، رويكرد «تعديل با چهره انساني» معرفي و طي آن بر تامين تور ايمني

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اجتماعي به منظور حمايت از فقرا، تاكيد شد . در همين راستا بحث جايگزيني يارانه هاي هدفمند به جاي يارانه‌هاي همگاني پيش آمد.

يارانه‌هاي هدفمند هرچند به عنوان ماليات منفي مي‌تواند جبران هزينه هاي وارده را بكند، در عمل كارآيي آن مشروط بر وجود پيش شرطهايي چون شناسايي دقيق خانوارها، پايين بودن هزينه هاي اداري اين روش، استمرار آن، و پايين بودن آثار ثانويه تورمي آن است.

در اقتصاد ايران، با توجه به توزيع نابرا بر بيش از اندازه ثروت و دارايي به نظر مي رسد كه آثار ثانويه اين سياست بر آثار اوليه آن غلبه و يا درصد مهمي از آن را خنثي كند . علاوه بر اين، با توجه به وجود ناكارآيي هاي سازماني، تحقق اهداف مورد نظر از اجراي اين س ياست از جمله تحريك رشد اقتصادي و كنترل كسري بودجه، به شدت قابل ترديد است. در واقع، رشد اقتصادي بالاتر و كاهش فقر، هر دو در گرو رفع ناكارآيي هاي سازماني و بكارگيري ابزارهاي بازتوزيعي دست كم در حوزه‌هاي آموزشي و بهداشتي و سلامتي است.

و اما، اگر دولت همچنان بر اجراي سياست هدفمند كردن يارانه ها پاي بند باشد، بهترين سياست، كاربرد قيمت گذاري تبعيضي بر مبناي كيفيت‌هاي مختلف كالاهاست . در عين حال، يارانه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نان به دليل «پست بودن»، برخلاف آنچه معمولاً اظهار مي‌شود بيشتر عايد گروه هاي درآمدي پايين مي‌شود تا گروه هاي درآمدي بالا. در مورد كالاهاي پست، نوعي هدفمندسا زي خودكار، وجود دارد كه معمولاً در مباحثات جاري مورد توجه طرفداران حذف يارانه قرار نمي گيرد. ميزان اين هدفمندسازي خودكار بسته به كشش درآمدي تقاضا و ميزان نابرابري در اقتصاد تغيير مي‌كند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

1. آلينا، آلبرتو و روبرتو پروتي . (1378)، **مروري بر سياست هاي رشد** ، (در: ويلي برگستروم، **دولت و رشد** ، ترجمه ع لي حياتي، سازمان برنامه و بودجه)
2. احمدوند، محمدرحيم . (1382)، **بررسي برخي مشكلات ساختاري صنعت خودروسازي ، ماهنامه بررسي هاي بازرگاني**، دوره جديد، شماره 2، مهر و آبان 1382.
3. استوارت. فرانسس. (1376)، **تعديل اقتصادي و فقر: گزينه‌ها و انتخاب‌ها**، ترجمه علي ديني و سيامك استوار، سازمان مديريت و برنامه‌ريزي.
4. بانك مركزي، حساب‌هاي ملي، سال‌هاي مختلف.
5. پاكنژاد، حسن و سيدمحمد صفحي . (1380)، **برآوردي از تابع مصرف بنزين و راهكارهاي كاهش مصرف آن، نشريه انرژي**، شماره 10.
6. پتراس، جيمز و ديگران . (1380)، **جهاني كردن فقر و فلاكت : استراتژي تعديل ساختاري در عمل**، گردآوري و ترجمه احمد سيف، انتشارات آگه، 1380.
7. حسيني، محمد علي . (1384) ، **برآورد محدوده كشش‌پذيري تقاضاي بنزين در ايران** ، فصلنامه پژوهش‌ها و سياست هاي اقتصادي، س ال سيزدهم، شماره 33.
8. دواميرز، ميگوئل . (1380)، **سياست‌هاي تعديل در آمريكاي لاتين: نگرش ساختارگرايانه جديد**، (در: جيمز پتراس واستوي ديوكس، **جهاني كردن فقر و فلاكت : استراتژي تعديل ساختاري در عمل**، ترجمه احمد سيف، انتشارت آگه).
9. ديني تركماني، علي . (1382)، برآورد امنيت غذايي در ايران و ارزيابي از نحوه مواجهة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

رويكردهاي نظري رقيب با ناامني غذايي، در : معاونت برنامه ريزي و اقتصادي وزارت جهاد كشاورزي، **مقالات برگزيده نخستين همايش كشاورزي و توسعه ملي**، جلد چهارم)

10. ديني تركماني، علي. (1376)، **بررسي و آزمون جنبه‌هاي مختلف حذف يارانه نان** ، موسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني.
11. ديني تركماني، علي. (1375)، **تعديل اقتصادي و فقر غذايي در ايران** ، اطلاعات سياسي ـ اقتصادي، شماره 115-114، 1375.
12. رضايي، محمدرحيم. (1384)، **تامين اعتبار مورد نياز براي توسعه ي حمل و نقل شهري با بهره‌گيري از درآمدهاي به‌دست آمده از حذف يارانه‌هاي سوخت وسائط نقليه** ، مجله اقتصادي (معاونت امور اقتصادي وزارت امور اقتصادي و دارايي)، شماره 42-41.
13. **سازمان مديريت و برنامه ريزي نظام هدفمند يارانه‌ها.** (1380)
14. فريدمن، ميلتون و رز فريدمن (1367)، **آزادي انتخاب**، ترجمه حسين ح كيم‌زاده جهرمي، انتشارات پارسي، ص 52-151.
15. كلمن، ديويد و فردنيكسون. (1378)، **اقتصاد شناسي توسعه نيافتگي**، ترجمه غلامرضا آزاد، انتشارات وثقي، 1378، فصل دوازدهم.
16. گريفين، كيت و جفرز جيمز. (1367)، **انتقال به توسعه عادلانه** ، ترجمه محمدرضا رفعتي، انتشارات وزارت امور خارجه.
17. مركز آمار ايران. (1384)، **شاخص‌هاي كليدي نيروي كار در ايران.**
18. مركز آمار ايران، **مطالعات بودجه خانوار** ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

سال‌هاي مختلف.

19. مركز آمار ايران . (1372)، **نتايج تفصيلي سرشماري عمومي كشاورزي.**

20. ميردال،گونار، **تئوري اقتصادي و مناطق توسعه نيافته**، انتشارات مروارید.

21. ميردال،گونار، درام آسيايي . (1366)، **پژوهشي درباره فقر ملت ها**، ترجمه منوچهر اميري، انتشارات اميركبير.

22. هايلبرونر، رابرت. (1376)، **سرمايه‌داري در قرن بيست و يكم**، ترجمه احمد شه‌سا، انتشارات علمي و فرهنگي، ص 30-29.

23. هيرشمن، آلبرت . (1382)، **خطابه ارتجاع**، ترجمه محمد ماجلو، نشر شيرازه.

24. وشوري، جرج . (1366)، **تخصيص منابع**، ترجمه عبدالله جيروند، انتشارات پاپيروس.

25. Alderman, Harold and Kathy Lindert. (1998), **"The Potential and Limitations of Self-Targeted Food Subsidies"**, the World Bank Research observer, Vol 13, No2.

26. Ali, Ali A. and Ibrahim A. Elbadewi. (1999), **"Inequlity and the Dynamics of Poverty and Growth"**, Center for International Development, Harvard University.

27. Braking, Sarah. (2004), **"The Political Economy of Chronic Poverty"**, Institute for Development Policy and Management, University of Manchester, www.chronicpoverty.org

28. Dagdeviren etal. (2001), **"Redistribution Matters: Growth for Poverty Reduction"**, Employment Sector, ILO.

29. Fine, Ben. (2002), **"Convergence and Consensus. The Polititcal Economy of Stabilization, Poverty and Growth"**, http://Nerworkideas.org

30. Griffin, Keith. (2000), **"Problems of Poverty and Marginalization"**,

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

Political Economiy Research Institute, University of Massachusetts.

31. Giovanni, Andrea Cornia. (2004), **"Macroeconomic Policies, Income Inequality and Poverty"**, http//www.networkideus.org
32. J. Hailstones, Thomas. (1982), **"A Guide to supply-Side Economics"**, Robert F.Daime, INC, Virginia, USA.
33. Karshenas, Massoud. (1993), **"Measurement and Nature of Absolute Poverty in Least Developed"** , ERF Working Papers 201.
34. Leibenstein, Harvey. (1978), **"General X-Efficiency Theory and Economic Development"**, Oxford University Press, 1978.
35. M.Ahsan, Syed. (2001), **"Growth, Governance and Poverty: A Cross_ Country Analysis"**, Concordia University, Montreal, Canada.
36. Makinley, Terry (2004), **"Economic Policies and Poverty Reduction in Asian and the Pacific"**, UNDP.
37. Mauro, Paolo. (1995), **"Corruption and Growth"**, The Quarterly Journal of Economics, Vol 110, no.3.
38. Sen, Amarty. (2000), **"Economic Progress and Health"** Iin David Leon and Gill Walt(eds), Poverty, Inequality and Health: An International Perspective, Oxford University Press.
39. Sen, Amarty.(1995), **"The Political Economy of Targeting"**, in D.Van de wall and- K. Neat (eds), Public Spending and the Poor,(John Hopkins University Press for the World Bank).
40. Srewart, Franses and Paul Streeten. (1976), **"New Strategies for Development"**, Oxford Economic Papers, Nov. 1976.
41. Van der toeven ,Rolph. (2000), **"Poverty and Structural Adjustment some Remarks on Tradeoffs Between Equity and Growth"**, Employment Sector, ILO.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]